

بِسْمِ تَعَالَى

# بررسی قیام سربداران

تهیه کننده:

سعید صدیق منفرد

## تاریخ معلم انسان‌هاست. (امام خمینی)

### مقدمه

در اوایل قرن هفتم هجری و دوران حکومت سلطان محمد خوارزمشاه، به علت بی‌کفایتی و عدم تدبیر سلطان حادثه‌ی اُتزار رخ داد. در این حادثه فرستادگان و تجار چنگیز مغول توسط فرماندهان خوارزمشاه کشته شده و اموال‌شان به غارت برده شد. در پاسخ به این رویداد، چنگیز مغول همراه با پسران و لشگریان خود (از صد و بیست هزار نفر تا دویست و پنجاه هزار نفر) به ایران حمله می‌کند. این حمله، به بزرگ‌ترین راهپیمایی جنگی تاریخ معروف است.

در این جنگ، سلطان محمد به جزیره آبسکون فرار می‌کند و در آنجا از دنیا می‌رود اما فرزندش سلطان جلال‌الدین بر خلاف پدرش ایستادگی کرده و با شجاعت به جنگ ادامه می‌دهد. علی‌رغم مقاومت جلال‌الدین نیروهای مغول پیروز شده و سراسر سرزمین مقدس ایران را تصاحب می‌کنند.

عوامل گوناگونی را می‌توان در این حمله بررسی کرد. به عنوان مثال مغول‌ها برای فرار از سرمای سرزمین خود یا کشورگشایی یا... دنبال بهانه‌ای برای حمله به ایران بودند.

حکومت مغول‌ها با انواع ظلم‌ها و ستم‌ها در ایران حدود یک قرن به طول انجامید. در این دوران، هر کس که مقاومت می‌کرد را نابود کرده و مظاهر تمدنی ایران را با خاک یکسان می‌کردند. با تهدید و ارباب مردم را کنترل و مجبور به اطاعت از خود می‌کردند. اموال مردم را به یغما برده و زمین‌هایشان را به زور تصرف می‌کردند و... .

با این حال، ایرانیان توانستند از طریق فرهنگ و مذهب بر آن‌ها غالب گشته و مغول‌ها را با تمدن و دین آشنا کنند. که این خود یک پیروزی برای مسلمین بود و روزنه‌ای برای اضمحلال حکومت مغولان.

مقاومت ایرانیان مسلمان به‌خصوص شیعیان، منجر به پیدایش جنبش و نهضت سرداران شد. ایشان توانستند در منطقه‌ای از ایران حدود نیم‌قرن حکومت اسلامی تشکیل دهند.

نهضت سرداران در طول تاریخ بعد از خود، سوالات گوناگونی پیرامون خود داشته است که در این تحقیق به‌موارد زیر اشاره می‌شود:

۱. مهم‌ترین علل و عوامل شروع نهضت سرداران چه بوده است؟

۲. آیا نهضت شیعی سرداران در قرن هشتم هجری بر دیگر قیام‌ها و جنبش‌هایی که در ایران اتفاق افتاد تاثیری داشته است؟

۳. آیا انقلاب اسلامی ایران، تکوین‌یافته همان نهضت‌ها و جنبش‌هاست؟

بر اساس اولویت‌بندی، دو کتاب را مختصر مورد بررسی قرار می‌دهیم:

**الف)** کتاب قیام شیعی سرداران از یعقوب آژند

**ب)** کتاب قیام سرداران، از پطروشفسکی

نهضت سربداران با اعتقادات مذهبی و انگیزه‌های والای عشق به شهادت و آرمان‌خواهی، در برابر حاکمیت مغولان که سراسر پر از ظلم و ستم و یاغی‌گری، تجاوز، قتل و غارت بود... با شجاعت تمام مردانه ایستاده و به پیروزی رسید.

اگرچه در طی نیم قرن، حکومت در میان سربداران از فرماندهی عبدالرزاق و وجیه‌الدین مسعود و.. دست‌به‌دست گشت و بعد از نیم قرن با خیانت علی موید و استمداد او از تیمور لنگ و ورود دشمن به سرزمین مقدس ایران، سرانجام حکومت سربداران به پایان می‌رسد.

این نهضت اثرات بسیار مطوبی در مقاومت و پایداری ملت ایران در برابر دشمنان چه در عصر خود، در نقاط مختلف ایران مثل مازندران، کرمان، گیلان و.. و چه در دوران بعد از خود به جا می‌گذارد.

مورخین و محققین موضوع الگوگیری ملت ایران از سربداران را تایید می‌کنند.

به‌عنوان مثال، دکتر زرین کوب در اثر تاریخی خود می‌نویسد:

«اگر شور و هیجان مهارناپذیر این صوفیان نبود الحاق ایران به قلمرو ازبک یا عثمانی یا تجزیه و یا تقسیم بین حکام سنی عصر نامحتمل نبود. در آن‌چه به نقش تشیع و احساسات شدید ضد سنی در تحقق دادن این امر مربوط می‌شد در قرن‌هایی نه‌چندان دور از این ایام، تجربه‌ی نهضت سربداران خراسان.....»<sup>۱</sup>

خلاصه‌این‌که اگر کشور ایران توسط ازبک‌ها و امپراتور عثمانی تجزیه یا به‌آن‌ها ملحق نشد، نتیجه‌ی قیام صوفیان با الگوگیری از قیام سربداران بوده است.

<sup>۱</sup> روزگاران، زرین کوب، ۶۴۰

## چرایی و عوامل شروع نهضت سربداران

الف) نویسنده‌ی روس کتاب نهضت سربداران خراسان، پطروشفسکی، عوامل مختلفی را در

شکل‌گیری این نهضت بیان می‌کند. که به شرح زیر است:

### ۱. درگیری کشاورزان با برخی از امیران فئودال

«بین سال‌های ۱۳۳۰ و ۱۳۸۰ (۷۸۲-۷۳۱ هجری) در تاریخ ایران بر اثر افزایش فشار بزرگان

چادرنشین مغول و ترک و تشدید بهره‌کشی امیران و ملوک الطوایف از روستاییان، آتش

جنگ‌های داخلی تیزتر شد.

پس از مرگ ایلخان ابوسعید جنگ‌های داخلی و مبارزه‌ی ملوک الطوایف به‌خاطر کسب قدرت

درگرفت و در این گیرودار روستاییان و شهریان از غارت و چپاول و تجاوز لشکریان و برخی از

امیران فئودال سخت زیان دیدند».<sup>۲</sup>

### ۲. درگیری پیشه‌وران و فئودال‌ها

«دسته‌های نیرومندی از فئودال‌های محلی به‌خاطر کسب قدرت با یکدیگر در مبارزه بودند و

ایلخانانی از بازماندگان چنگیز خان را که بیشتر با پادشاهان خیمه‌شب‌بازی مشابهت داشتند

بر تخت سلطنت می‌نشانند و حکومت ایشان که بیشتر اسمی و ظاهری بود در حدود اراضی

دستجات ملوک الطوایف یاد شده مورد قبول واقع می‌شد».<sup>۳</sup>

<sup>۲</sup> پطروشفسکی، ایلخا پائولوویچ، نهضت سربداران خراسان، ص ۷

<sup>۳</sup> همان، ص ۸

### ۳. عامل مذهبی (شهادت‌طلبی و مهدویت)

«و. و. بار تولد متذکر شده است که در ایران قرون وسطی مذهب تشیع بیشتر در میان روستاییان شایع بوده و در موارد بسیار پایه‌ی عقیدتی نهضت‌های مردم را تشکیل می‌داده. این موضوع محتاج توضیح است: مذهب شیعه در ایران بوجود نیامد و در محیط روستایی ظاهر نگشت و در آغاز کار مبین منافع روستاییان نبود. ولی جنبش‌های روستایی قرون وسطی در ایران بارها زیر علم سبز تشیع توسعه یافت، زیرا که بعضی از افکار و عقاید شیعه با روحیه‌ی مخالفت‌آمیز روستاییان هم‌آهنگ بود.

نخست اینکه تقریباً در تمام دولت‌های فئودالی ایران در قرن سیزدهم و چهاردهم (میلادی) مذهب تسنن حاکم بود و تشیع مورد تعقیب و ایذا قرار می‌گرفت. احترام به شهیدان (علی و حسین [ع] و دیگر امامان شهید) در عقاید شیعه جای مهمی داشت و این خوشایند روستاییان ستم‌دیده بود.

...ولی چیزی که بیش از همه برای عامه‌ی مردم جذاب بود اعتقاد به ظهور مهدی [عج] بود که با «رجعت مسیح» مشابهت دارد. شیعیان امامیه که رایج‌ترین شعبه‌ی مذهب تشیع در ایران است، محمد منتظر امام دوازدهم را که در سال ۷۸۵ میلادی غایب شده بود مهدی می‌خواندند. شیعیان امامیه معتقد بودند که حضرت امام مهدی [عج] زنده است و پنهان گشته ولی دیر یا زود ظهور خواهد کرد و تجدیدی در دین پدید خواهد آورد و هم‌چنان که در صدر اسلام بوده است برقرار خواهد ساخت و یاسای چنگیزی و نظامات ظالمانه‌ای را که سنیان و فاتحان مغول معمول کرده‌اند با شمشیر برخواهد انداخت.

بدین سبب «چشم به راه مهدی بودن» در عقاید مردمی که نهضت‌های قرن سیزدهم را در ایران به‌پاداشتند مقام بلندی داشته است. ولی در قرن چهاردهم و پانزدهم میلادی این عقیده راسخ‌تر و مشهودتر گشت. در باب اینکه اعتقاد بظهور مهدی (ع) تا چه اندازه استوار بوده است داستانی که یاقوت حموی نقل میکند بسیار آموزنده است.<sup>۴</sup>

#### ۴. غارت‌گری و راهزنی

ابن بطوطه جهانگرد عرب اطلاعات اندک ولی خواندنی درباره‌ی سربداران خراسان نقل می‌کند که بلاشک از دشمنان ایشان یعنی فئودال‌های بزرگ و روحانیون سنی ناشی گشته است. شخص ابن بطوطه نیز سنی متعصب و قشری مالکی بوده و با وحشت و هراس از شیعیان سربدار سخن می‌گوید. اینکه نوشته‌های ابن بطوطه بغرض آلوده است جای شگفتی نیست ولی با اینحال حاوی جزئیاتی است که منابع دیگر فاقد آن است.

وی سربداران را «راهزن» می‌خواند و می‌گوید «اتباع آن‌را در عراق «شطار» (راهزنان) و در خراسان سربداریه و در مغرب «صقورا» (عقابان) می‌نامند. از اظهارات ابن بطوطه چنین برمی‌آید که در اواسط قرن چهاردهم میلادی در کشورهای خاور نزدیک و میانه نهضت‌های همانند جنبش سربداران فراوان بوده است.<sup>۵</sup>

<sup>۴</sup>همان، ص ۱۴ و ۱۵

<sup>۵</sup>همان، ص ۳۰

## ۶. قیام شیخ خلیفه و شیخ حسن جوری

«در آخرین سال‌های حکومت ایلخان ابو سعید نارضایی و غلیان افکار قشرهای پایین مردم روستا و شهر در خراسان بحد اعلا رسیده بود و هم در آن زمان واعظی پدید آمد که کوشید تا نهضت ناراضیان را سازمان دهد و از لحاظ فکری رهبری کند.

به‌گفته‌ی مورخان قرن پانزدهم میلادی که هم‌زمان تاریخ مفقود سربداران بوده‌اند (واعظ مزبور یکی از شیوخ صوفیه و از مردم مازندران بود) به‌نام شیخ خلیفه. وی در جوانی به تحصیل علم پرداخت و قرآن از بر کرد و علم منطق و علم الفراسهٔ آموخت.»<sup>۶</sup>

«...پس دشمنان شیخ خلیفه تصمیم گرفتند او را پنهانی به‌قتل رسانند. روزی صبحگاهان که شاگردان شیخ خلیفه به مسجد جامع آمدند مشاهده نمودند که استادشان را به یکی از ستون‌های حیاط مسجد حلق‌آویز کرده‌اند. شکی نیست که شیخ را بقتل رسانیده بودند. ولی اولیای محلی شایع کردند که وی خودکشی کرده است. تاریخ این واقعه ۲۲ ربیع الاول سال ۷۳۶ هجری بوده است.»<sup>۷</sup>

«هدف تبلیغات شیخ خلیفه و حسن جوری دعوت به‌خروج علیه اولیای مغول و همدستان ایشان یعنی فئودال‌های بزرگ محلی بوده [است]. تبلیغ به‌خروج زیر لفافه‌ی صوفیگری صورت می‌گرفت و رنگ تشیع (که مورد توجه عامه مردم بوده) داشت. بدین طریق یک طریقت درویشی که بعدها بنام «طریقت شیخ خلیفه و حسن جوری» خوانده شد پدید آمد. طریقت مزبور که با دیگر طرائق درویشی فرق فراوان داشت منفور فئودال‌ها بود.

<sup>۶</sup> همان، ص ۳۴

<sup>۷</sup> همان، ص ۳۷



طریقت شیخ حسن جویری قلمرو وسیعی را فراگرفت و محققا نهضتی عظیم بود که عموم مردم و بخصوص پیشه‌وران و بینوایان شهری و روستاییان را دربر گرفته بوده است.<sup>۸</sup>

«ضمنا در سال ۷۳۷ هجری یا ۷۳۸ هجری پیروان وی در ولایت بیهق خروج کردند. اما شیخ حسن جویری رهبری قیام را [برعهده] نداشت و با آن که نهضت مزبور توسعه پیدا کرد، شیخ به قیام‌کنندگان نپیوست.

مورخان علت خودداری وی را ذکر نمی‌کنند. شیخ در نامه‌ای که به امیر محمدبک نوشته است تأکید می‌کند که مایل به قیام نبوده و برای صلح و سازش می‌کوشیده [است]. وی بیهوده از امیر ارغونشاه تمنی می‌کند که راه چاره را بروی مردم نبندد و مایوس‌شان نکند. ولی اظهار می‌دارد که خروج علیرغم میل او وقوع یافته است زیرا «تمام خلایق در شور آمده و بی‌طاقت شده» بودند.<sup>۹</sup>

#### ۶. حرکت و خروج سربداران از بیهق (جرقه اصلی)

«پنج ایلچی مغول در خانه‌ی حسین حمزه و حسن حمزه (از مردم قریه‌ی باشتین) منزل کردند و از ایشان شراب و شاهد طلبیدند و لجاج کردند و بی‌حرمتی نمودند. یکی از دو برادر قدری شراب آورد. وقتی که ایلچیان مست شدند شاهد طلبیدند و کار فضحیت را بجایی رساندند که عورات ایشان را خواستند. دو برادر گفتند دیگر تحمل این ننگ را نخواهیم کرد. بگذار سر ما به

<sup>۸</sup> همان، ص ۳۸

<sup>۹</sup> همان، ص ۴۲

دار برود. شمشیر از نیام برکشیدند هر پنج تن مغول را کشتند و از خانه بیرون رفتند و گفتند ما «سربدار» می‌دهیم. قیام بدین طریق آغاز گشت.

....در این هنگام عبد الرزاق که فرزند یکی از مالکان محل بود وارد باشتین شد و با ایلچی که از جانب خواجه علاالدین هندو برای بردن حسن حمزه و حسین حمزه آمده بود مصادف گشت. ایلچی اخیر الذکر تسلیم آن دو شخص را طلب می‌کرد تا به خاطر قتل ایلچیان مجازات شوند. عبد الرزاق که کدخدای قریه بود گفت به‌خواجه بگو ایلچیان فضحیت کردند و مقتول گشتند. وقتی که ایلچی این پاسخ را به علاء الدین هندو رساند وی در خشم شد و صد سپاهی فرستاد که آن دو نفر را نزد او بیاورند. اینان مجدداً به عبد الرزاق رجوع کردند. او از قریه خارج شد و با لشکریان مزبور جنگ کرد و آنان را مجبور بفرار کرد و تدارک حرب دید و مردم ده را گرد آورد و از باشتین خروج کرد.<sup>۱۰</sup>

(ب) یعقوب آژند، نویسنده کتاب قیام شیعی سربداران نیز عوامل زیر را از علل قیام سربداران بیان می‌کند. البته وی به نگاه پطروشفسکی دارد.

«پطروشفسکی در اثر خود سعی کرده با یک دیدگاه مادی، جنبش سربداران را یک قیام طبقاتی و ضد فئودالی قلمداد کند و ایدئولوژی خودشان را به ثبوت برساند.

چیزی که هست این است که فارغ از مساله فئودالیسم در ایران (که هیچ با ویژگیهای فئودالیسم مورد نظر این محققین نمی خواند و جای حرف بسیار دارد) مساله رهبران سیاسی این نهضت است که در همه منابع اصلی دست اول جزو محتشمین و بزرگان ناحیه باشتین نوشته شده اند یعنی در واقع خود اینها به اصطلاح پطروشفسکی «فئودال» بوده اند.

حال چطور شده که فئودالها علیه فئودالیسم مورد نظر این محققین برخاسته اند، خود مساله جالبی است که پطروشفسکی از بحث درباره آن گریخته و یا آنرا به نوعی آنهم در لفافه توجیه کرده است.<sup>۱۱</sup>

«بطور کلی پطروشفسکی قیام سربداران را از پشت عینک مادی گرایی نگاه کرده و لذا در بسیاری از جاها از واقعیت دور افتاده و یا خود عمدا آنرا نادیده گرفته است. او در برخی از قسمت های تحقیقش دچار اشتباه نیز شده است.

یا در بعضی از قسمت های تحلیل خود از قیام مرعشیان در رابطه با قیام سربداران به مسایل بسیار سطحی پرداخته است. کتاب او فارغ از بینش صرفا مادی وی و نیز لغزش هایی که منبعث از این بینش او است دارای حرفها و تحلیل های تازه درباره سربداران است و خصوصا که او نخستین کسی بوده که درباره سربداران به صورت تحقیقی و تحلیلی کار کرده است.<sup>۱۲</sup>

در ادامه و با موضوع علل ظهور قیام سربداران می نویسد:

«قیام شیعی سربداران از جمله قیام هایی است که در تاریخ بعد از اسلام ایران نقطه عطفی بشمار می رود. این قیام دارای خصوصیات است که در سایر قیامها کمتر به چشم می خورد.

<sup>۱۱</sup> آژند، یعقوب، قیام شیعی سربداران، ص ۶۶

<sup>۱۲</sup> همان، ص ۶۷

ماهیت و جوهره مذهبی و یک دست این قیام باعث شد که مسأله وراثت حاکمیت در آن رشد نکند و تا به آخر (حدود نیم قرن) مردم ستم‌کش و بلاخور این دور را در صحنه مبارزه برای احقاق حق خود نگهدارد.<sup>۱۳</sup>

«اما در قیام سربداران با تکیه بر مردمی که هوادار آن بودند توانسته بود، در چهارچوب محدودی هم که شده، سر معاندین را بر سنگ بکوبد و راه را برای رسمیت یافتن خود بگشاید. در قیام شیعی سربداران، به صورت یک جریان تاریخی، دو مسأله بیش از مسایل دیگر به ذهن می‌نشیند:

۱. مذهب تشیع اثنی عشری؛ که سربداران با اتکاء بر این مذهب به صورت یک ایدئولوژی حاکمیت توانستند قیام خود را در جامعه هدایت کرده و در خلال نیم قرن، بعد انقلابی آنرا به بار بنشانند و باعث گسترش و نفوذ آن در سایر نواحی (چه به صورت سیاسی و نظامی و چه به صورت فکری) گردند.

۲. خاتمه بخشیدن به سلطه سیاسی-نظامی مغولان در ایران.<sup>۱۴</sup>

آزند در ادامه نقش رهبران و بزرگان را در نهضت سربداران به شرح زیر عنوان می‌کند. (مختصر)

### ۱. شیخ خلیفه

«یکی از اعتقادات اصیل شیعیان اثنی عشری، اعتقاد به ظهور امام مهدی (عج) است که با ظهور خود، ظلم و فساد را ریشه بر می‌کند و در جهان عدل و برابری می‌گستراند.

<sup>۱۳</sup> همان، ۱۱

<sup>۱۴</sup> همان، ۱۲

شیخ خلیفه منادی ظهور امام مهدی (عج) بوده است. او مردم را به ظهور او و برکندن ظلم و ستم و نابرابری بشارت می‌داده است. و همین بعد تعالیم او موجبات وحشت هیات حاکم و علمای وابسته به آنها را فراهم می‌ساخته است. این بعد عقیدتی شیخ خلیفه را با اتفاقاتی که بعدها رخ داد می‌توان دریافت.

شیخ حسن، جانشین شیخ خلیفه، پس از شهادت او به هجرت می‌پردازد و تعالیم شیخ خلیفه را تبلیغ می‌کند.<sup>۱۵</sup>

بافت تعالیم شیخ خلیفه را تشیع اثنی عشری و بویژه اعتقاد به ظهور امام مهدی (عج) تشکیل می‌داده و مردم را به ظهور امام دوازدهم بشارت می‌داده و آنها را علیه ظلم و ستم حکام محل می‌شورانده است.

مخالفت علمای تسنن زمان با شیخ خلیفه که منجر به شهادت او شد دو بعد داشته است:

(۱) بعد عقیدتی.

(۲) بعد سیاسی-اجتماعی.<sup>۱۶</sup>

## ۲. شیخ حسن جوری

« شیخ حسن که خود یکی از علمای ناحیه جور نیشابور و مورد قبول اهالی آنجا بود مرید شیخ خلیفه شد و هرآنچه را که از «حق» می‌جست در وجود او یافت و دست ارادت بدو داد.

<sup>۱۵</sup> همان، ۷۸

<sup>۱۶</sup> همان، ۷۹

ترک تحصیل کرد و طلبگی و مدرسی را به کنار نهاد و در حلقه مریدان شیخ خلیفه وارد شد او که خود یکی از علمای سرشناس این منطقه بود، ارادتش به شیخ خلیفه موجب افزونی شهرت او و نیز خود شیخ حسن شد و بر تعداد مریدان و پیروان آنها افزوده گشت. و در همین ایام بود که قضیه شهادت شیخ خلیفه بدست مخالفان خود پیش آمد و شیخ حسن مجبور به هجرت گردید.

شیخ حسن قبل از هرچیز معتقد به پیوند دین و دولت، یا انطباق مذهب و سیاست بود و آنرا جدای از هم نمی دانست. قضیه تحریر نامه‌ای به محمد بیک جانی قربانی از همین امر مایه گرفته است. وقتی که شیخ حسن با امیر مسعود سربدار اتفاق نمود و برای ستیز با قتل و غارت و ظلم و ستم حکام محل برخاستند، اساس و لب تعالیم شیخ خلیفه را اعتقاد به مهدویت تشکیل داده بود.<sup>۱۷</sup>

«این اعتقاد به مهدویت که ملهم از مذهب تشیع اثنی عشری بود موجب گسترش طریقه شیخ حسن و پیروان او شده بود. چراکه این ایدئولوژی مسأله ستم‌ستیزی و بسط عدالت را در جامعه و حتی در سطح جهان، در خود نهفته داشت. در این خصوص به وضوح در منابع می خوانیم که: .... و هرکس که دعوت او را قبول می کرد، اسامی ایشان ثبت می گردانید و می گفت: حالا وقت اختفاست. و وعده می داد که هرگاه اشاره شیخ شود و وقت ظهور برسد می باید که آلت حرب بر خود راست کرده و مستعد کارزار گشته، موقوف اشاره باشید.»<sup>۱۸</sup>

---

<sup>۱۷</sup> همان، ص ۹۰

<sup>۱۸</sup> همان، ص ۹۱

## تأثیر گذاری نهضت سربداران بر دیگر جنبش‌ها

(الف) نگاه پطروشفسکی

«در قرن چهاردهم میلادی خروج سربداران خراسان از لحاظ وسعت بزرگ‌ترین و از نظر تاریخی مهم‌ترین نهضت آزادی‌بخش خاورمیانه بود و بلا تردید تأثیر حتمی در جنبش‌های دیگر (که از لحاظ وضع اجتماعی شرکت کنندگان و هدف‌های سیاسی همانند آن بود) داشته است: از آن جمله بود نهضت مازندران (در سال ۱۳۵۰ میلادی یا ۷۵۰ هـ)، گیلان (در سال ۱۳۷۰ میلادی یا ۷۷۲ هـ)، کرمان (سال ۱۳۷۳ میلادی یا ۷۷۵ هـ) سمرقند و ناحیه رود زرافشان (سال ۱۳۶۵ میلادی یا ۷۶۷ هـ).

بین این نهضت‌ها و جنبش‌های مردم خاور نزدیک و میانه در قرن پانزدهم میلادی (از قبیل خروج شیخ بدر الدین، سماوی، بیور کلوجی مصطفی در ترکیه عثمانی به سال ۱۴۱۵-۱۸ میلادی) و نهضت حروفیون در ایران و آذربایجان و آسیای صغیر در نیمه‌ی اول سده‌ی پانزدهم میلادی و قیام مردم خوزستان در سال ۱۴۴۰ (۸۴۴ هـ) و سال‌های بعد و غیره و همچنین خروج آفرانک که پیشتر به‌وقوع پیوسته بود علائم خویشاوندی و نزدیکی وجود دارد.»<sup>۱۹</sup>

«چنان‌که معلوم است نفوذ فکری و عقیدتی سربداران و به‌ویژه جناح افراطی آن نهضتی بسیار عمیق بود و از حدود خراسان تجاوز می‌کرد.

<sup>۱۹</sup> پطروشفسکی، ص ۱۰

نهضت‌های مردم سمرقند و کرمان و دیگر شهرها نیز به اسم سربداران خوانده شد. علی‌رغم ظاهر مذهبی و عرفانی، نهضت سربداران را باید ترقی‌خواهانه دانست، زیرا جنبش مزبور قشرهای وسیع تولیدکنندگان را دربر گرفت و آنان را به مبارزه به‌خاطر منافع اجتماعی خویش، علیه بهره‌کشی فئودالی و فاتحان بیگانه دعوت کرد.<sup>۲۰</sup>

در گیلان نیز نهضت آزادیخواهانه‌ی مردم که سادات شیعه‌ی محلی در راس آن قرار داشتند به‌ظهور رسید. در آن ایالت عصیان بر ضد فئودالهای محلی پدید آمد و رهبر آن سید امیر کیا بود.

شیوخ درویشان گیلان از شیوخ مازندران یاری طلبیدند (در حدود سال ۱۳۷۰ م ۷۷۲ ه) و [به‌کمک ایشان] در مشرق گیلان دولت سادات که مرکز آن شهر لاهیجان بود تاسیس یافت و بیش از دو قرن وجود داشت (از ۱۳۷۰ تا ۱۵۹۲ م یا ۷۷۲ تا ۱۰۰۱ هجری) و آن نیز در قرن پانزدهم میلادی بصورت یک دولت عادی فئودالی درآمد.

نهضت سربداران در کرمان نیز منعکس شد. در دولت آل مظفر و دوران شاه شجاع (۸۴-۱۳۵۸ م ۷۸۶-۷۶۰ ه) جنگ‌های داخلی فئودالی میان هواخواهان سلاله‌های گوناگون محلی درگیر بود و روستاییان و مردم خرده‌پای شهری از آن سخت زیان میدیدند. در سال ۱۳۷۳ م (۷۷۵ ه) مردم شهر کرمان قیام کردند.<sup>۲۱</sup>

<sup>۲۰</sup> همان، ۱۰۱

<sup>۲۱</sup> همان، ۱۰۸ - ۱۰۹



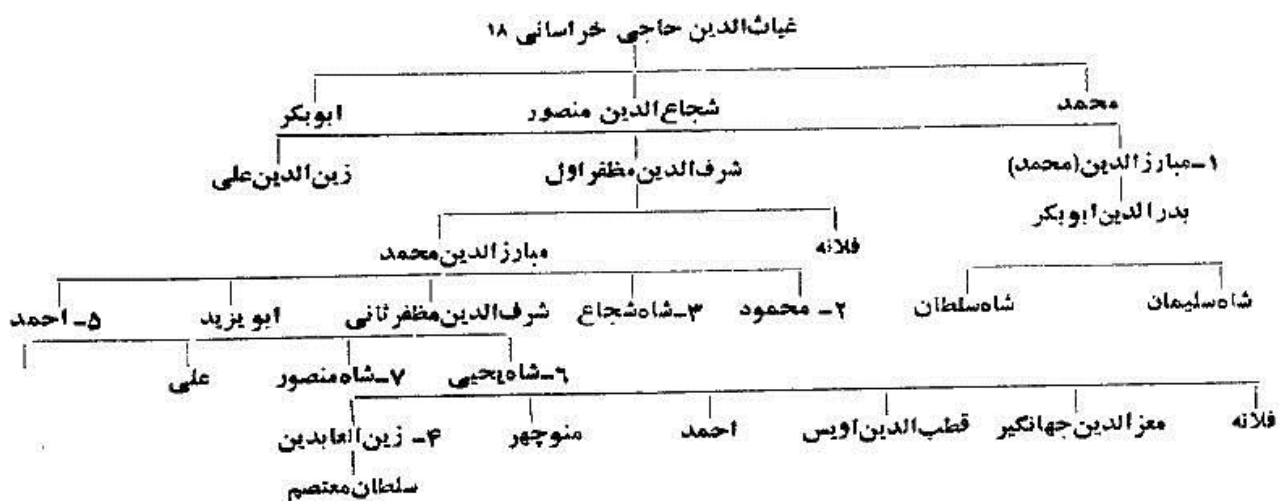
ب) آژند با ذکر بعضی از مثال‌ها، تاثیر نهضت را بر دولت‌ها و حرکت‌های بعدی ذکر می‌کند.

در اینجا به اختصار فقط نمودار دولت‌ها و سلسله‌های محلی که شکل گرفته‌اند، ذکر می‌شود.

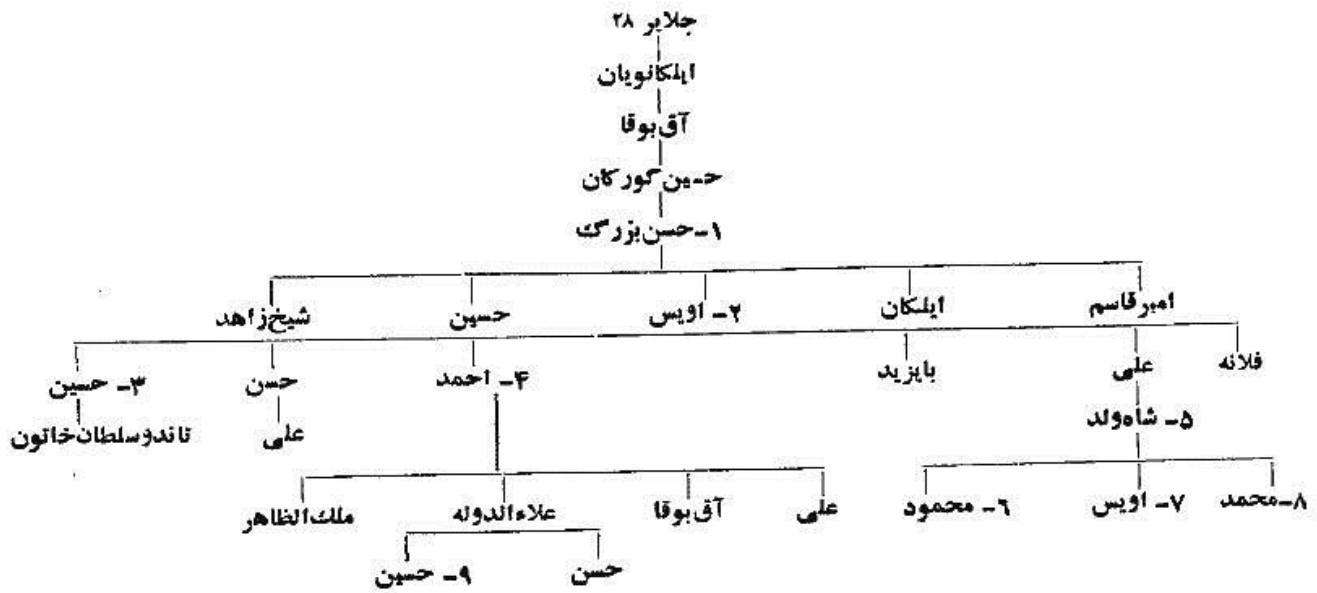
با فروپاشی و انحطاط قدرت ایلخانان در ایران (به سال ۷۳۶ هـ) هرج و مرج کامل سیاسی سرتاسر این قسمت از جهان اسلام را فراگرفت. در نبود یک دولت مقتدر مرکزی، نوعی آزادی سیاسی و مذهبی همه‌جا را دربر گرفت. دولت‌ها و سلسله‌های متعدد محلی سر درآوردند و همراه آن عقاید مختلف مذهبی، که خصوصا از مکتب تشیع مایه گرفته بودند، در سرزمینهای مختلف شکوفا شدند.

## آل مظفر

### شجره نسب آل مظفر

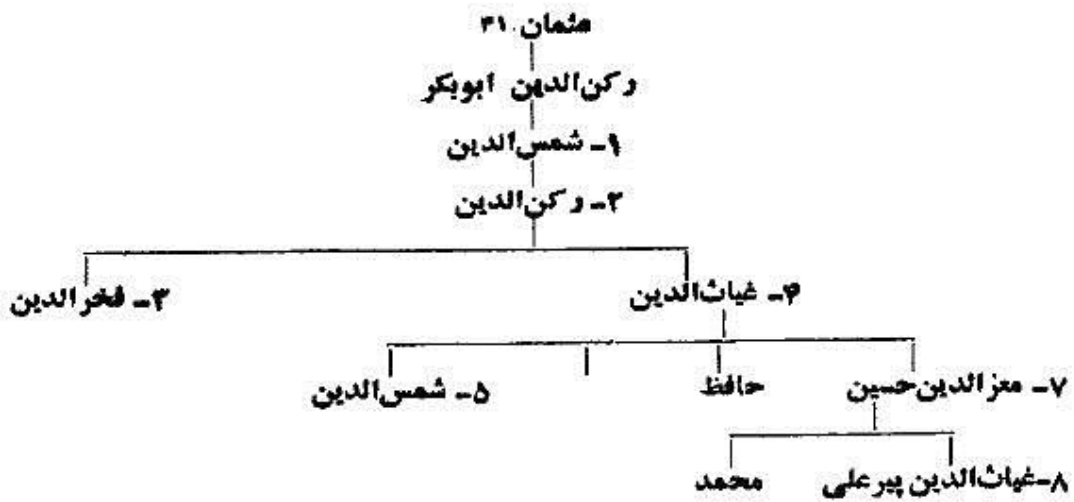


شجره نسب آل جلاير



آل كورت

شجره نسب آل كورت



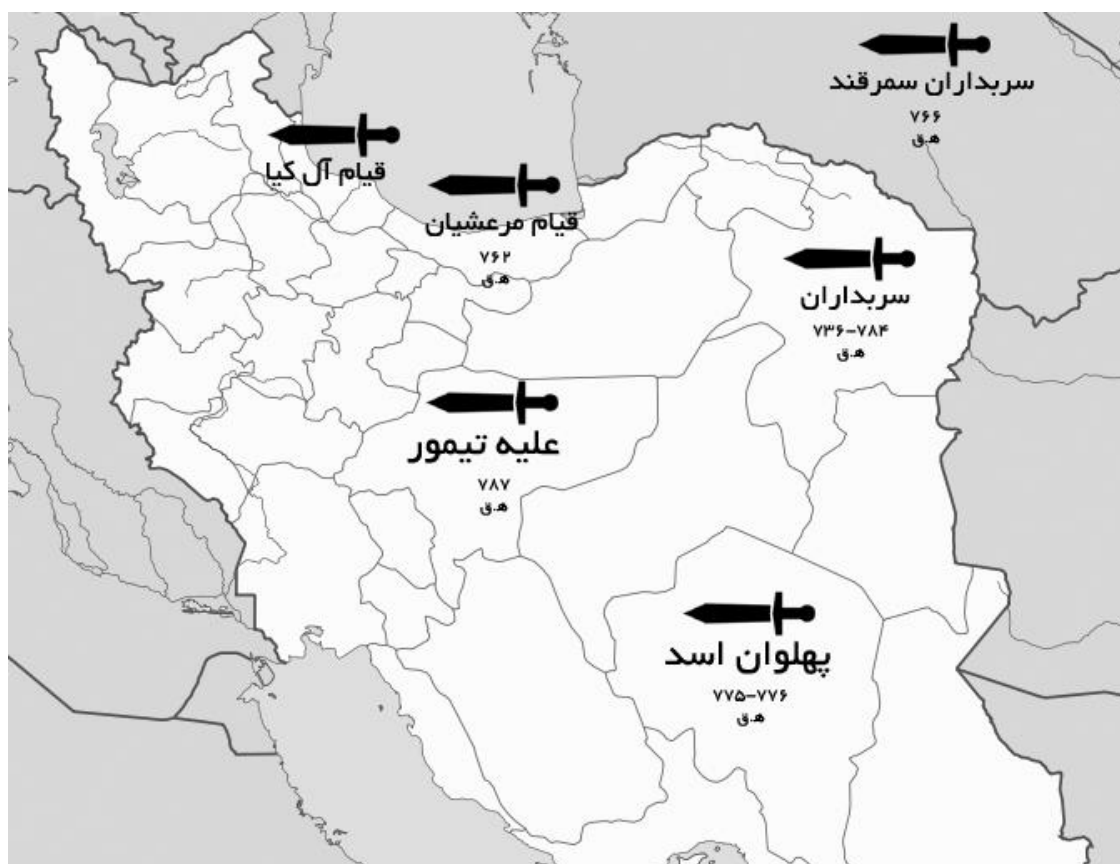
## بازتاب و اثرگذاری در دیگر مناطق

«قیام سربداران همراه با خصائص ویژه خود بازتابی در مناطق اطراف خود داشت که گاه به صورت مستقیم از این قیام مایه گرفته بود و گاه به صورت غیرمستقیم. این قیام‌ها که به صورت قیام‌های نظامی و نیز عقیدتی در منطقه متبلور شدند دارای خصائص مشترک با قیام سربداران بودند. این قیام‌ها دو ویژگی مشترک داشتند:

۱. مبارزه با ظلم و ستم (در ابعاد مختلف).

۲. مبارزه با عنصر بیگانه.<sup>۲۲</sup>

نقشه قیام‌های متأثر از سربداران:



## نتیجه‌گیری

پژوهش و قیام شیعی سربداران، نیازمند فرصت طولانی، همراه با دقت و تامل می‌باشد تا در شان و عظمت این نهضت که از متن مردم مومن و شیعه جوشیده است و ستم و ظلم بسیاری از مغولان درنده‌خو و گرگ‌صفت تحمل کرده و با غیرت دینی و شجاعت وصف‌ناپذیر و روحیه‌ی شهادت‌طلبی با عده‌ای قلیل از پس امپراطوری مغول برآمده است.

تا آن‌گاه بر کرسی قضاوت نشسته و خاستگاه اصلی و اثرات بسیار مطلوب آن را در سرزمین مقدس ایران بازگو کرد.

اما به مصداق (آب دریا را اگر نتوان کشید، هم به قدر تشنگی باید چشید).

از بررسی بعضی آثار تاریخی با نگاه‌های متفاوت و برداشت خودمان در چرایی و شکل‌گیری این نهضت و سپس اثرگذاری آن به‌این نتیجه رسیدیم:

### ۱. عوامل اصلی در شکل‌گیری این نهضت

عوامل مهم و زمینه‌ساز را باید اعتقادات و باورهای دینی مردم دانست؛ چرا که شیعه در طول تاریخ خود ملتی بوده که هرگز زیر بار ظلم نرفته و با داشتن الگوهای همچون علی (ع) و اولیاء الهی و خاصه نهضت عاشورا و شعار «هیئات منا / الذله» را راهنمای حرکت خود قرار داده است. و در شروع نهضت هم دیدیم مردم در برابر تجاوز و ظلم مغول گفتند سربهدار می‌دهیم ولی زیر ظلم نمی‌رویم.

در این زمینه امام علی(ع) فرمودند: «ولاتکن عبد غیرک و قد جعلک الله حراً» وقابل ذکر این که وجود مبارک ثامن الحجج امام رضاع) و بستگان اهل بیت(ع) در ایران اسلامی مایه برکت شدند و در شکل گیری تشیع و روحیه‌ی انقلابی شیعه نیز بسیار موثر بوده‌اند.

## ۲. تاثیرات نهضت سربداران.

اگر چه قیام سربداران دارای نتایج خوبی بود اما اشکالاتی را هم در درون خود داشت، از جمله اختلافات بعضی از نیروها، قدرت طلبی بعضی از فرماندهان، رقابت‌های به دور از شأن اسلام و عدم انسجام رهبری از اواسط نهضت در تداوم آن....

سربداران اثرات مهمی در جنبش‌های عصر خود مثل مناطق مختلف کشور مانند مازنداران، گیلان، کرمان... داشتند که باعث خیزش و قیام بر علیه ستمگران مغول شد. سربداران در دوران‌های بعد نیز، بر قیام صفویان و مشروطه اثرگذار بوده‌اند.

## ۳. انقلاب اسلامی

در سرزمین مقدس ایران قیام‌های بسیاری وجود داشته که بعضی تا حدودی موفق یا ناموفق بوده است. اما آن‌ها در حد خود بر قیام‌های آینده موثر بوده‌اند.

انقلاب اسلامی که به قول امام خمینی(ره) معجزه قرن می‌باشد، در واقع نهضت و انقلابی است که زنجیره‌وار متصل به نهضت‌های قبل تا اینکه نهضت به قیام عاشورا وصل می‌شود. امام(ره) فرمودند: *این محرم و صفر است / اسلام را زنده نگذاشته است و جالب این که شروع نهضت امام(ره) در محرم سال ۴۲ و اوج آن هم در محرم سال ۵۷ بود که منجر به پیروزی انقلاب اسلامی گشت.*

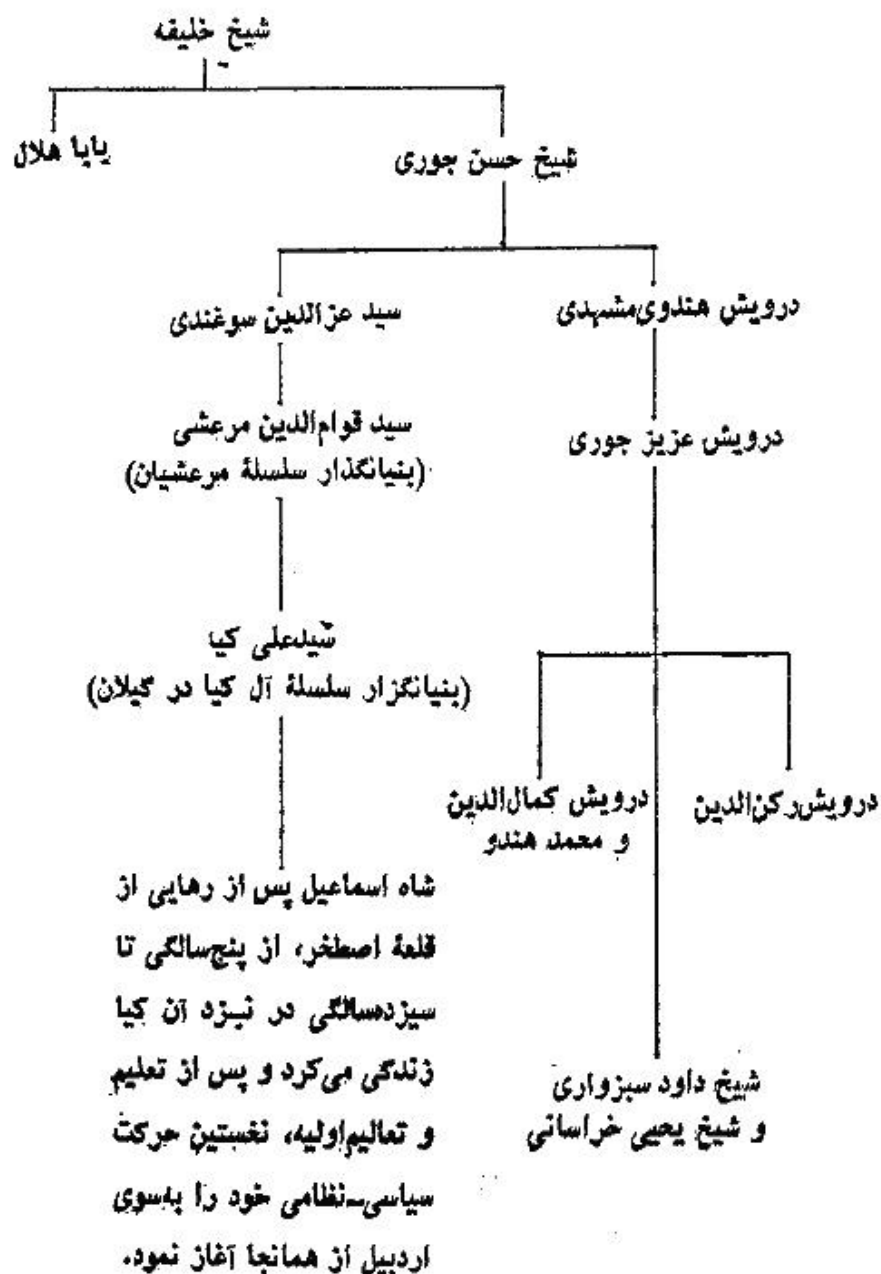
امام خمینی(ره) با شناخت عمیق از نهضت‌ها و تجربه‌ی گران‌سنگ خود در ارتباط با فراز و نشیب‌های قیام‌ها در طول تاریخ و خاصه مشروطه و جریان مشروعه، انقلاب اسلامی را با لطف الهی به‌نتیجه رساند. و امام با اعتقاد و یقین فرمودند: ما در انتظار رؤیت خورشیدیم. و منتظریم این انقلاب را به صاحب اصلی آن (امام زمان عج) تحویل دهیم.

والسلام

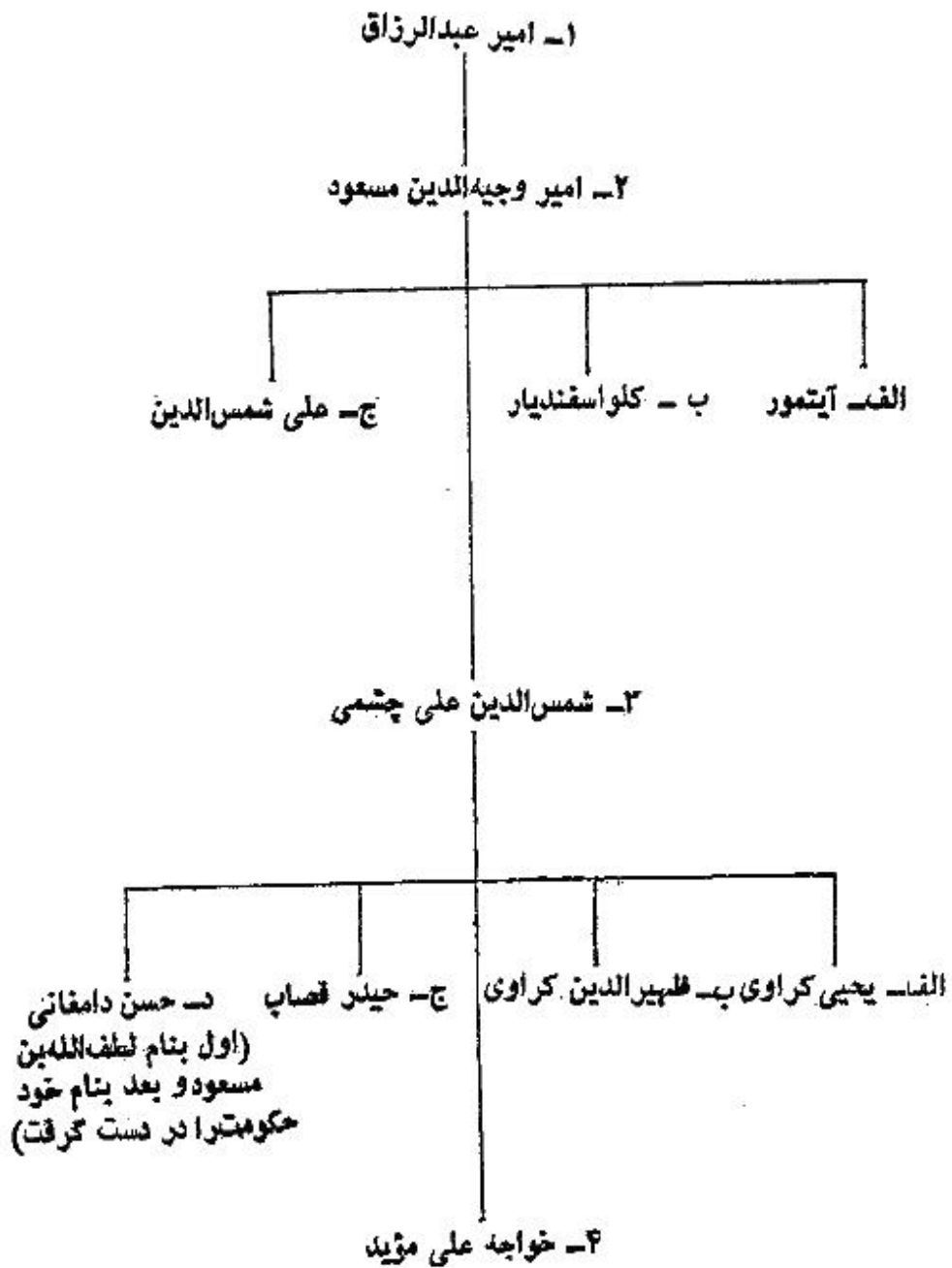
## پیوست

نمودار سلسله مراتب رهبران مذهبی سرمداران، و رابطه آنها با رهبران مذهبی نهضت‌های

دیگر



نمودار سلسله مراتب رهبران سیاسی سریداران (با توجه به عملکرد آنان)





## منابع

- آژند، یعقوب، قیام شیعی سربداران، نشر گستره، تهران، ۱۳۶۳
- پطروشفسکی، ایلیا پولوویچ، نهضت سربداران خراسان، ترجمه کشاورز، کریم، نشر پیام، تهران، ۱۳۵۱
- زرین کوب، عبدالحسین، روزگاران، نشر سخن، تهران، ۱۳۹۰